

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

امام خمینی - رضوان الله علیه - در بحث «صلاة» کتاب تحریر الوسیله ذیل عنوان «فصل فی صلاة المسافر»، می‌فرماید: يجب القصر علي المسافر فی الصلوات الرباعية مع اجتماع الشروط الآتية؛^[1] قصر در نمازهای چهار رکعتی با وجود شرائط هشت‌گانه‌ای که ذکر می‌شود، واجب است.

ذکر اقوال در مسأله

بحث اول این است که چه دلیلی بر وجوب قصر نماز در مسافر وجود دارد؟ و اصلاً آیا قصر برای مسافر به عنوان عزیمت است، یا رخصت و یا سنت مؤکده است؟

ابتدا اشاره‌ای به برخی از اقوال بین مذهب امامیه و سایر مذاهب می‌کنیم و بعد از آن، ادله را باید ذکر کنیم که عمده دلیل، آیات و روایات است.

مرحوم شیخ طوسی در کتاب خلاف در مسئله‌ی 321 می‌فرماید: التقصير في السفر فرض و عزيمة و الواجب من هذه الصلوات الثلاث: الظهر و العصر و العشاء الآخرة ركعتان فإن صلى أربعاً مع العلم و جب عليه الإعادة؛^[2] یعنی کسی حق ندارد در سفر نمازش را چهار رکعتی بخواند و تقصیر به عنوان عزیمت است، حتماً باید قصر بخواند و اگر تمام بخواند باطل است و باید نماز را اعاده کند.

ایشان در ادامه نظر ابو حنیفه را نقل می‌کند و می‌نویسد: و قال أبو حنيفة مثل قولنا إلا أنه قال: إن زاد على ركعتين فإن كان تشهد في الثانية صحَّت صلاته و ما زاد علي التنتين يكون نافلة إلا أن يأتى بمقيم فيصلِّي أربعاً فيكون الكلّ فريضة أسقط بها الفرض؛ ابو حنیفه نیز در میان مذاهب اهل سنت، قصر در نمازهای چهار رکعتی را مثل مذهب امامیه عزیمت می‌داند، منتها اختلافی هم وجود دارد و آن این است که اگر مسافر در سفر بیش از دو رکعت را خواند، اگر در رکعت دوم تشهدش را خوانده باشد نمازش درست است و رکعت سوم و چهارم به عنوان نافله حساب می‌شود و لو عمداً هم باشد، مگر آنکه به مُقیم اقتدا کند، که در این صورت، تمام نمازش فریضه خواهد بود.

شیخ طوسی می‌فرماید: «و القول بأن التقصير عزيمة مذهب علي عليه السلام و عمر و في الفقهاء مالك و أبي حنيفة و أصحابه». در ادامه عقیده شافعی را این‌گونه نقل می‌فرماید: و قال الشافعي: هو بالخيار بين أن يصلِّي صلاة السفر ركعتين و بين أن يصلِّي

صلاة الحضر أربعاً فيسقط بذلك الفرض عنه و قال الشافعي: التقصير أفضل؛ شافعي دو نظر در مسأله دارد، نظر اول اين است كه شخص مسافر مخير است و قول دوم نيز اين است كه قصر افضل است. بعضی هم از مالك نقل کرده‌اند كه مذهب مالكیّه می‌گویند: قصر سنت مؤكده است.

منتها قول چهارمی هم در اين عبارت مرحوم شيخ وجود دارد كه و قال المزني: و الإتمام أفضل و بمذهبه قال في الصحابة عثمان و عبد الله ابن مسعود و سعد بن أبي وقاص و عائشة و في الفقهاء الأوزاعي و أبو ثور؛ مزني به عكس شافعی گفته كه در سفر اتمام افضل است.

بنابراین، در مجموع، چهار قول بين علمای مسلمين داریم؛ يك قول اين است كه قصر واجب است؛ قول دوم اين است كه مسافر مخير است و فرقي بين اتمام و قصر نیست؛ قول سوم اين ست كه قصر راجح است و قول چهارم هم اين است كه تمام خواندن راجح است.

بررسی ادله امامیه در مسأله

در میان فقهای امامیه اولاً مسأله اجماعی است؛ یعنی هیچ فقیهی نیست كه قائل باشد قصر در سفر، عزیمت نیست. همه به این مطلب تصریح کرده‌اند و بالاتر از اجماع، این فتوا از ضروریات مذهب امامیه است. غیر از این دو دلیل، آن چه باید مورد استدلال قرار بگیرد و مقداري هم بحث دارد، **آیه‌ی شریفه‌ی 101 سوره مبارکه نساء** است.

آیه 101 سوره نساء

خداي متعال در این آیه می‌فرماید: **(وَإِذَا ضَرَيْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا)؛** و چون به سفر می‌روید اگر می‌هراسید كافران شما را بیازارند، گناهی بر شما نیست كه از نماز بکاهید، بی‌گمان كافران برای شما دشمني آشکارند.

در مورد اینکه از آیه عزیمت استفاده می‌شود یا رخصت، سه نظر وجود دارد. يك قول این است كه این آیه دلالت بر عزیمت دارد. نظر دوم این است كه این آیه بر رخصت دلالت دارد، اما روایات عزیمت را مطرح کرده‌اند و قول سوم هم این است كه آیه نسبت به این موضوع، نفیاً و اثباتاً تعرضی ندارد، از این آیه، نه می‌توان عزیمت را استفاده كرد و نه رخصت را.

برای روشن شدن دلالت و مفاد این آیه، لازم است آیاتی را كه در سوره بقره راجع به روزه بیان شده‌اند، مورد بررسی قرار دهیم. خداي متعال در آیات 183 تا 185 سوره بقره می‌فرماید: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ * أَيَّاماً مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لَتَكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لَتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ)**

بررسی آیات سوره بقره

چون بين روزه و نماز تلازم است؛ در جایی كه انسان می‌تواند نماز تمام بخواند، غیر از اماكن اربعه كه دلیل خاص بر تخيير داریم، کسی كه در يك جا قصد می‌كند، نماز تمام می‌خواند، روزه هم می‌تواند بگیرد. سؤال این است كه آیا مسافر یا کسی كه

مريض است، ترک روزه برای او عزیمت است؟ یعنی حق ندارد روزه بگیرد و اگر روزه گرفت، کار حرام و غیر مشروع انجام داده است؟

از بعضی تعبیر این آیات استفاده می‌شود که ترک روزه در سفر، عزیمت است. برای اینکه در دو جا می‌فرماید: (مَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ) یعنی اینها تکلیفی ندارند و در ایام دیگر باید روزه بگیرند. «فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» یعنی در سفر و یا در حال مریضی روزه نگیرند؛ بلکه در غیر ماه رمضان در ایام دیگری که در حضر هستند روزه بگیرند.

استدلال به عبارت «فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا» بر قول به رخصت

اما در این آیات، دو قسمت وجود دارد که یک مقدار شبهه‌ی رخصت را ایجاد می‌کنند. یک قسمت، عبارت (فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ) از آیه است که می‌فرماید: اگر کسی این عمل را بیاورد، امری راجح خواهد بود «فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ» آیا از این تعبیر می‌شود فهمید گروه‌های سه گانه که در آیه ذکر شده‌اند، یعنی مسافران، افراد بیمار و کسانی که طاقت و قدرت روزه را ندارند، اگر روزه بگیرند برای آنها خیر و خوبی است؟

دیدگاه مرحوم علامه طباطبایی

مرحوم علامه طباطبایی (رضوان الله تعالی علیه) در کلمه‌ی «تطوع» دقتی فرمودند که تطوع اختصاص به مستحبات ندارد؛ بلکه تطوع اعم از الزامیات و غیر الزامیات است. ایشان می‌فرمایند: در فقه و میان فقها اصطلاح شده است که تطوع را فقط در مستحب استعمال می‌کنند، اما کاربرد این واژه در قرآن، عمومیت دارد. ایشان می‌نویسد: فمعني التطوع التلبس في إتيان الفعل بالرضا و الرغبة من غير كره و استئثار سواء كان فعلاً إلزامياً أو غير إلزامي؛^[3] تطوع به معنای این است که انسان خودش داوطلبانه کاری را انجام دهد که اطاعت خدا هم هست، بدون اینکه در انجام آن کراهتی داشته باشد و اظهار ناراحتی کند، حال چه اینکه آن عمل الزامی و واجب باشد و چه غیر الزامی و مستحب.

دیدگاه دوم

برخی گفته‌اند: عبارت (فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ) مربوط به روزه در غیر ماه رمضان است؛ یعنی ابتدا خدا می‌فرماید: (كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ ... أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ) که مراد از «أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ» ایام ماه رمضان است و به دنبال آن، تکلیف مریض، مسافر و کسانی که طاقت و قدرت ندارند را معین می‌فرماید و مطلب تمام می‌شود؛ به عبارت دیگر، خداوند می‌فرماید: روزه ماه رمضان بر شما واجب است غیر از این سه گروه. در ادامه، مطلب جدیدی بیان می‌فرماید که (فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ) کسی که در غیر از ماه رمضان در سایر ماه‌ها بخواد روزه بگیرد، برای او خیر است.

دیدگاه سوم

احتمال سومی که مطرح شده این است که گفته شود عبارت «فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ» ربطی به مریض و مسافر ندارد، بلکه به «عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» مربوط است. یعنی خداوند وجوب روزه را از این گروه برداشته است و باید فدیة دهند؛ حال، اگر خواستند خیری انجام دهند، برایشان بهتر است.

در آیه 185 مجدداً می‌فرماید: «وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» یعنی خدای تبارک و تعالی برای مریض و

مسافر روزهای دیگر غیر از ماه رمضان را معین فرموده است و فرموده است: الآن که سفر هستید در ایام دیگری غیر از سفر روزه بگیرید.

دیدگاه برگزیده

به نظر ما نیز همینطور است که عبارت «فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ» اصلاً ربطی به مریض و مسافر ندارد؛ این قسمت از آیه مربوط به گروه سوم یعنی کسانی که طاقت و قدرت روزه گرفتن را ندارند، می‌باشد. اگر این احتمال را هم نگوئیم، می‌گوئیم احتمال دوم مدّ نظر آیه است و به نظر می‌رسد اگر ما باشیم و آیهی (وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ)، دیگر نیازی نداریم به ادله‌ی دیگر برای استحباب روزه. یعنی اگر کسی به این آیه استدلال کند برای استحباب روزه‌ی تمام ایام سال، غیر از آن ایامی که روزه در آنها حرام شده یا کراهت دارد، استدلال تمامی است.

نتیجه این می‌شود که کسی نمی‌تواند بگوید از عبارت «فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ» استفاده می‌شود که مسافر اگر روزه بگیرد، بهتر است. خیر، این قسمت از آیه ربطی به روزه مسافر ندارد. اگر ما باشیم و آیه‌ی 184 بقره، از آن استفاده می‌کنیم روزه برای مریض و برای مسافر، حرام است و ترک آن واجب است.

استدلال به عبارت «یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر» بر قول به رخصت

قسمت دومی که در آیه 185 وجود دارد، عبارت (يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ) است. آیا از این قسمت آیه فهمیده نمی‌شود که خدا الزام را برداشته است؛ بگوئیم اگر روزه برای یک مریضی زحمت و مشقّتی ندارد، مانعی ندارد و می‌تواند روزه بگیرد؛ بعضی از فقها، یا در میان خاصه و یا در میان عامه، نیز به استناد همین آیه تفصیل داده‌اند بین مرض خفیف و مرض غیر خفیف. همچنین است در مورد مسافر، اگر روزه گرفتن برای او در سفر عسری و مشقّتی ندارد، بگوئیم بر حسب این آیه‌ی شریفه مانعی ندارد و می‌تواند روزه بگیرد.

دلایل بطلان استدلال

این مطلب به نظر ما باطل است. چون اولاً خدای تبارک و تعالی تکلیف را معلّل به این قسمت نکرده است. خدای تبارک و تعالی به عنوان حکمت می‌فرماید که چرا برای مسافر این حکم را خدا قرار داده است و این علّت نیست. امّا در بحث اصول گفته‌ایم که اصلاً بحث از علّت و حکمت، بحث درستی نیست؛ ما بحث را بر روی حیثیت تقییدیه و تعلیلیه برده‌ایم، می‌گوئیم: آیه شریفه حکم را مقیّد به عُسَر نکرده است، نفرموده «من كان على سفرٍ و كان الصيام عليه عَسِراً» روزه نگیرد.

نکته: تفاوت حیثیت تقییدیه و تعلیلیه

همان‌طور که در مباحث اصول گفته‌ایم، فرق میان حیثیت تقییدیه و تعلیلیه در این است که حیثیت تعلیلیه جزء موضوع قرار نمی‌گیرد، می‌گوئیم در (وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي) موضوع، فقط نماز است؛ خواه این نماز، انسان را به یاد خدا بیاورد یا نیاورد؛ در حالی که اگر گفته می‌شد: «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِذَا كَانَتِ الصَّلَاةُ ذِكْرًا لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى»، نماز واجب نمی‌شد. این حیثیت تعلیلیه است، قید نیست. در این آیه نیز «عسر» به عنوان قید نیامده است.

ثانیاً می‌خواهیم عرض کنیم خدای متعال با عبارت «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ» می‌خواهد بفرماید من در تکالیف حتّی در تکالیف الزامیه اراده‌ی یُسْر و آسانی بر شما را دارم؛ «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ» یعنی خدا از اوّل اراده‌ی مشقّت و تکالیف سخت برای امت نبی اکرم (صلّی الله علیه و آله و سلّم) نکرده است. و از ممیّزات دین اسلام، شریعت سمحّی سهله است. پس، «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ» یعنی حتّی در نماز تمامی که می‌خوانید، حتّی در روزه‌ای که می‌گیرید، خدای تبارک و تعالی برای شما آسانی را اراده کرده است؛ چه نماز تمام و چه نماز قصر، هر دو یُسْر است، چه روزه‌ی در حضر و چه ترک روزه در سفر هر دو یُسْر است. کسی نمی‌تواند به این آیه استدلال کند و بگوید در هر جایی عُسر باشد، تکلیفی نیست.

جواب دیگری که داده می‌شود و ما آن را مباحث فقهی امام (رضوان الله تعالی علیه) داریم، این است که عبارت «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ» جمله اخباری از اصل تشریع است. «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ» دارد خبر می‌دهد و انشاء نمی‌کند و از جمله‌ی خبریه و اخباریه نمی‌توان حکمی استفاده کرد.

نتیجه بحث جلسه امروز این می‌شود که از آیات سوره‌ی مبارکه بقره در مورد روزه، به خوبی استفاده می‌کنیم روزه گرفتن در سفر حرام است.

ان‌شاءالله فردا آیه 101 سوره نساء: (وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ) را مورد بررسی قرار می‌دهیم و این بحث که آیا از آیه استفاده می‌شود: قصر، عزیمت است یا رخصت و یا آنکه این آیه بر هیچ یک از عزیمت و رخصت دلالت ندارد؟

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] - تحرير الوسيلة، ج1، ص247.

[2] - الخلاف، ج1، ص569.

[3] - الميزان في تفسير القرآن، ج2، ص13.